

یادداشت مرشایمر، نظریه پرداز برجسته روابط بین الملل در اکونومیست:

غرب و آمریکا، مسئول اصلی بحران اوکراین هستند؛ تلاش برای پیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو زیاده روی بود / در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داریم / اگر غرب مسکو را در میدان جنگ و بحث اقتصادی شکست دهد، یک قدرت بزرگ را به لبه پرتگاه هل داده؛ پس از آن پوتین ممکن است به استفاده از سلاح‌های اتمی روی بیاورد  
جان مرشایمر: مشکل بر سر اوکراین از نشست آوریل ۲۰۰۸ ناتو در بخارست آغاز شد / تلاش برای پس گرفتن کل اوکراین مانند تلاش برای بلعیدن یک جوجه تیغی است / بحران فعلی این پتانسیل را دارد که به یک جنگ هسته‌ای بین روسیه و ناتو تبدیل شود / قدرت‌های بزرگ وقتی فکر می‌کنند در وضعیت وخیمی قرار دارند، می‌توانند بی‌رحم باشند  
پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: (Entekhab.ir)

غرب و آمریکا، مسئول اصلی بحران اوکراین هستند؛ تلاش برای پیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو زیاده روی بود / در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داریم / اگر غرب مسکو را در میدان جنگ و بحث اقتصادی شکست دهد، یک قدرت بزرگ را به لبه پرتگاه هل داده؛ پس از آن پوتین ممکن است به استفاده از سلاح‌های اتمی روی بیاورد

جان مرشایمر، نظریه پرداز برجسته روابط بین الملل در اکونومیست نوشت: جنگ در اوکراین خطرناکترین درگیری بین المللی از زمان بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ است. اگر بخواهیم از بدتر شدن وضعیت جلوگیری کنیم و راهی برای پایان دادن به آن بیابیم، درک علل اصلی آن ضروری است.

به گزارش سرویس بین الملل «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: شکی نیست که ولادیمیر پوتین جنگ را آغاز کرده و مسئول ادامه آن است، اما اینکه چرا چنین کرد بحث دیگری است. دیدگاه جریان اصلی در غرب این است که او یک متجاوز غیرمنطقی و غیر قابل درک است که به دنبال ایجاد روسیه بزرگ در قالب اتحاد جماهیر شوروی سابق است. بنابراین، او به تنهایی مسئولیت کامل بحران اوکراین را بر عهده دارد.

اما این روایت نادرست است. غرب و به ویژه آمریکا، مسئول اصلی بحرانی است که در فوریه ۲۰۱۴ آغاز شد. اکنون این بحران به جنگی تبدیل شده است که نه تنها اوکراین را تهدید می‌کند، بلکه این پتانسیل را دارد که به یک جنگ هسته‌ای بین روسیه و ناتو تبدیل شود.

مشکل بر سر اوکراین در واقع در نشست بخارست ناتو در آوریل ۲۰۰۸ آغاز شد، زمانی که دولت جورج دبلیو بوش این ائتلاف را تحت فشار قرار داد تا اعلام کند که اوکراین و گرجستان «عضو خواهند شد». رهبران روسیه بلافاصله با عصبانیت به این موضوع پاسخ دادند و این تصمیم را یک تهدید وجودی برای روسیه توصیف کردند و وعده دادند که آن را خنثی خواهند کرد. به گفته یک روزنامه‌نگار معتبر روسی، پوتین "به خشم آمد" و هشدار داد که "اگر اوکراین بخواهد به ناتو بپیوندد، بدون کریمه و مناطق شرقی این کار را انجام خواهد داد و به سادگی تجزیه خواهد شد." با این حال، آمریکا خط قرمز مسکو را نادیده گرفت و تلاش کرد تا اوکراین را به یک سنگر غربی در مرز روسیه تبدیل کند. این استراتژی شامل دو عنصر دیگر نیز بود: نزدیک کردن اوکراین به اتحادیه اروپا و تبدیل آن به یک دموکراسی طرفدار آمریکا.

این تلاش‌ها سرانجام در فوریه ۲۰۱۴، در پی یک قیام (که مورد حمایت آمریکا قرار گرفت) باعث شد تا ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهور طرفدار روسیه، از کشور فرار کند. روسیه در واکنش به این واقعه، کریمه را تصرف کرد و به تشدید جنگ داخلی در منطقه دونباس در شرق اوکراین کمک کرد.

رویارویی بزرگ بعدی در دسامبر ۲۰۲۱ رخ داد و به جنگ فعلی منجر شد. علت اصلی این بود که اوکراین در حال تبدیل شدن به یکی از اعضای واقعی ناتو بود. این روند در دسامبر ۲۰۱۷ آغاز شد، زمانی که دولت ترامپ تصمیم گرفت «سلاح‌های دفاعی» به کی‌یف بفروشد. با این حال، آنچه به عنوان سلاح «دفاعی» به حساب می‌آید، به سختی مشخص است و این سلاح‌ها مطمئناً برای مسکو و متحدانش در منطقه دونباس تهاجمی به نظر می‌رسید. سایر کشورهای ناتو وارد عمل شدند و سلاح به اوکراین ارسال کردند، نیروهای مسلح این کشور را آموزش دادند و به آن اجازه دادند در مانورهای مشترک هوایی و دریایی شرکت کند. در ژوئیه ۲۰۲۱، اوکراین و آمریکا به طور مشترک میزبان یک رزمایش دریایی بزرگ در منطقه دریای سیاه بودند که شامل نیروهای دریایی ۳۲ کشور بود. عملیات نسیم دریا روسیه را تحریک کرد تا به سوی یک ناوشکن بریتانیا که عمداً وارد آب‌هایی که روسیه آنجا را آب‌های سرزمینی خود می‌داند شده بود، شلیک کند. شلیک هشدار به ناو انگلیسی در آب‌های جنوب غرب شبه جزیره کریمه اوکراین که در اشغال روسیه قرار دارد صورت گرفت.

روابط بین اوکراین و آمریکا در دولت بایدن همچنان در حال افزایش است. تعهد به افزایش روابط در سراسر یک سند مهم منعکس شده است. "منشور شراکت استراتژیک ایالات متحده و اوکراین" در نوامبر توسط آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، و دیمیتری کولبا، هم‌تای اوکراینی او امضا شد و هدف از آن "تاکید بر تعهد اوکراین به اجرای اصلاحات جامع و عمیق ضروری برای ادغام کامل این کشور در نهادهای اروپایی و یورو-آتلانتیک" بود.

این سند به صراحت بر "تعهدات اتخاذ شده برای تقویت شراکت استراتژیک اوکراین و ایالات متحده توسط روسای جمهوری زلنسکی و بایدن" بنا شده است و همچنین تاکید می‌کند که روابط دو کشور بر اساس "اعلامیه اجلاس سران بخارست ۲۰۰۸" هدایت خواهد شد.

جای تعجب نیست که مسکو این وضعیت را غیرقابل تحمل یافت و ارتش خود را در مرز اوکراین بسیج کرد تا عزم خود را به واشنگتن نشان دهد. اما هیچ تاثیری نداشت، چرا که دولت بایدن به نزدیک شدن به اوکراین ادامه داد. این امر باعث شد روسیه در دسامبر به یک بن بست دیپلماتیک تمام عیار دامن بزند. روسیه خواستار تضمین کتبی شد مبنی بر اینکه اوکراین هرگز بخشی از ناتو نخواهد شد و این ائتلاف دارای‌های نظامی خود را که از سال ۱۹۹۷ در شرق اروپا مستقر کرده بود، بر خواهد چید. مذاکرات بعدی شکست خورد و بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده به وضوح گفت: «هیچ تغییری وجود ندارد. تغییری ایجاد نخواهد شد.» یک ماه بعد پوتین برای از بین بردن تهدیدی که از جانب ناتو احساس می‌کرد، حمله به اوکراین را آغاز کرد.

این تفسیر از وقایع در تضاد با شعار رایج در غرب است که گسترش ناتو را بی ربط به بحران اوکراین نشان می‌دهد و در عوض اهداف توسعه طلبانه پوتین را علت آن می‌داند. بر اساس سند اخیر ناتو که برای رهبران روسیه ارسال شده است، "ناتو یک اتحاد دفاعی است و هیچ تهدیدی برای روسیه ندارد." شواهد موجود با این ادعاها تناقض دارد. برای شروع، موضوع مورد بحث این نیست که رهبران غربی می‌گویند هدف یا مقاصد ناتو چیست، مساله این است که مسکو اقدامات ناتو را اینگونه می‌بیند.

پوتین مطمئناً می‌داند که اشغال بخش زیادی از سرزمین‌های اروپای شرقی برای روسیه هزینه سنگینی دارد. همانطور که یک بار گفته بود: «هر کس که دلش برای جماهیر شوروی تنگ نشود قلب ندارد و هر کس که بازگشت آن را بخواهد، عقل ندارد».

علیرغم باورهای او در مورد پیوندهای تنگاتنگ بین روسیه و اوکراین، تلاش برای پس گرفتن کل اوکراین مانند تلاش برای بلعیدن یک جوجه تیغی است. علاوه بر این، سیاستگذاران روسیه از جمله پوتین تقریباً چیزی در مورد اشغال سرزمین جدید برای بازسازی اتحاد جماهیر شوروی یا ساختن روسیه بزرگ نگفته‌اند. در عوض، از زمان نشست بخارست در سال ۲۰۰۸، رهبران روسیه بارها گفته‌اند که پیوستن اوکراین به ناتو را یک تهدید وجودی می‌دانند که باید از آن جلوگیری کرد. همانطور که لاوروف، وزیر خارجه روسیه در ژانویه اشاره کرد، "کلید همه چیز تضمین عدم گسترش ناتو به سمت شرق است".

رهبران غربی تا قبل از سال ۲۰۱۴ به ندرت روسیه را به عنوان یک تهدید نظامی برای اروپا توصیف می‌کردند. همانطور که مایکل مک فال سفیر سابق آمریکا در مسکو اشاره کرده است، تصرف کریمه توسط پوتین، از پیش برنامه ریزی شده نبود. این یک حرکت تکانشی در پاسخ به کودتایی بود که رئیس جمهور طرفدار روسیه اوکراین را سرنگون کرد. در واقع، تا آن زمان، توسعه ناتو با هدف تبدیل تمام اروپا به منطقه عظیم صلح بود، نه مقابله با یک روسیه خطرناک. با این حال، زمانی که بحران شروع شد، سیاست گذاران آمریکایی و اروپایی نمی‌توانستند بپذیرند که با تلاش برای ادغام اوکراین در غرب، روسیه را تحریک کرده‌اند. آن‌ها اعلام کردند که منبع واقعی مشکل، انتقام‌گرایی روسیه (تمایل به بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته) و همچنین خواست مسکو برای تسلط بر اوکراین در صورت ناتوانی در تصرف آن است.

با توجه به اینکه بسیاری از کارشناسان برجسته سیاست خارجی آمریکا نسبت به گسترش ناتو از اواخر دهه ۱۹۹۰ هشدار داده‌اند، روایت من در مورد علل درگیری نباید بحث برانگیز باشد. رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا در زمان نشست بخارست، اذعان داشت که «تلاش برای وارد کردن گرجستان و اوکراین به ناتو واقعاً زیاده روی بود». در واقع، در آن اجلاس، هم مرکل، صدراعظم آلمان، و هم سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، مخالف پیشبرد عضویت اوکراین در ناتو بودند، زیرا می‌ترسیدند این امر خشم روسیه را برانگیزد.

نتیجه تفسیر من از وقایع این است که ما در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داریم و سیاست غرب این خطرات را تشدید می‌کند. برای رهبران روسیه، آنچه در اوکراین اتفاق می‌افتد، جاه‌طلبی‌های امپریالیستی نیست بلکه مقابله با چیزی است که آن را به عنوان یک تهدید مستقیم برای آینده روسیه می‌دانند.

پوتین ممکن است توانایی‌های نظامی روسیه، میزان مقاومت اوکراین و دامنه و سرعت واکنش غرب را نادرست ارزیابی کرده باشد، اما هرگز نباید دست‌کم گرفت که قدرت‌های بزرگ وقتی فکر می‌کنند در وضعیت وخیمی قرار دارند، چقدر می‌توانند بی‌رحم باشند. با این حال، آمریکا و متحدانش به امید تحمیل یک شکست تحقیرآمیز به پوتین که حتی ممکن است باعث برکناری او شود، اقدامات خود در حمایت از اوکراین را تشدید کرده‌اند. آن‌ها در حال افزایش کمک به اوکراین هستند و در عین حال از تحریم‌های اقتصادی برای تحمیل مجازات‌های گسترده علیه روسیه استفاده می‌کنند، اقدامی که پوتین اکنون آن را "مشابه اعلام جنگ" می‌داند.

آمریکا و متحدانش ممکن است بتوانند از پیروزی روسیه در اوکراین جلوگیری کنند، اما این کشور حتی اگر تجزیه نشود، آسیب جدی خواهد دید. علاوه بر این، خطر جدی تشدید تنش فراتر از اوکراین وجود دارد. اگر غرب نه تنها مسکو را در میدان‌های جنگ در اوکراین ناکام بگذارد، بلکه آسیب جدی و پایدار به اقتصاد روسیه وارد کند، در واقع یک قدرت بزرگ را به لبه پرتگاه هل می‌دهد. پس از آن پوتین ممکن است به سلاح‌های هسته‌ای روی بیاورد.

در حال حاضر دانستن شرایطی که بر اساس آن این درگیری حل و فصل می‌شود، غیر ممکن است، اما اگر علت عمیق این بحران را درک نکنیم، نمی‌توانیم قبل از نابودی اوکراین و همچنین پیش از افتادن به ورطه جنگ ناتو با روسیه، به آن پایان دهیم.